

# تأثیر تورکیک بر فارسی و دیگر زبانهای ایرانیک

## Turkic Influence On Persian And Other Iranian Languages

John R. Perry

جان ر. پری

ترجمه‌ی مئهران باهارلی

Monday, December 17, 2007

از وبلاگ تورکولوژی-ایران

<http://turkoloji-iran.blogspot.com/>

نت: این نوشته ترجمه‌ی بخشی از مقاله‌ی "تماسهای تورکیک-ایرانیکی" (Turkic-Iranian Contacts I. Linguistic Contacts) تألیف جان ر. پری می‌باشد. در این ترجمه کلمه‌ی «تورکیک» معادل Turkic انگلیسی و به معنی نام خانواده‌ای زبانی داخل در گروه زبانهای آلتائی؛ و کلمه‌ی «ایرانیکی» معادل Iranian انگلیسی و به معنی نام خانواده‌ای زبانی داخل در گروه زبانهای هند و اروپائی است. در متن انگلیسی نام زبان «ترکی» رایج در آذربایجان و ایران به اشتباه «آزری» و یک بار «ترکی آزری» آورده شده، که هر دو به «ترکی»، همانگونه که گویشوران این زبان خود آنرا می‌نامند ترجمه شد. مئهران باهارلی

### تأثیر تورکیک بر فارسی و دیگر زبانهای ایرانیک

شمار کل کلمات روزمره‌ی ترکی، نفوذ استوار تورکیک بر فرهنگ لغت فارسی استاندارد را، در هر دو گونه‌ی نوشتاری و محاوره‌ای تصدیق می‌کند. نمونه‌هایی نمادین، واژه‌های «طاق» [اوتاق]، «جاق» [اوجاق]، «اطو» [اوتو]، «قیچی» [قایچی]، «قاجاق»، «قدغن» [قاداغان] (اصلاً اسمی به معنی فرمان و امر)، «توتون»، و «توپ» می‌باشند. پسوند لغوی تورکیک «چی» در زبان فارسی، مستقل از الگوهای اصلی لغوی و قانون هماهنگی اصوات تورکیک، برای ایجاد قالب فاعلی در زبان فارسی بکار رفته است: «شکارچی»، «تقلیدچی»، «پستچی» (بواسطه‌ی زبان فرانسوی، مانند «پوستاچی» در ترکی جمهوری [ترکیه] بواسطه‌ی زبان ایتالیائی)، «توتونچی» («توتونجو» در ترکی جمهوری [ترکیه]، «توتونجو» در ترکی).

دامنه‌های معنایی این دایره‌ی لغات تورکیک در زبان فارسی، شامل عرصه‌های چوپانی-روستائی، خانوادگی، نظامی، فن‌آوری و تجاری است، که همه دال بر وجود تأثیرات ناشی از تعامل و اندرکنش جمعیت‌های دوزبانه و درهم آمیخته در سطوح زبانهای محاوره‌ای، محلی و عملی روزمره است. در مواردی که وامواژه‌های تورکیک دارای معادل فارسی باشند، اغلب ممکن است این دو را به لحاظ اجتماعی در دو رده‌ی متضاد تصنیف نمود. در این رده‌بندی، معادل فارسی و یا فارسی-عربی رسمی‌تر، ادبی‌تر و یا ظریف‌تر در معنا، و معادل تورکیک و یا تورکیک-مونتولی غیررسمی‌تر، نثرانه‌تر و یا بومی-محلی‌تر است.

جدول شماره‌ی دو: رده‌های اجتماعی متضاد

کارد (فارسی)- چاقو (تورکیک)

بانو (فارسی) - خانم (تورکیک)  
اسب (فارسی) - یابو (تورکیک)  
خر (فارسی) - الاغ (تورکیک)  
آهسته (فارسی) - یواش (تورکیک)

از هزاران وامواژه‌ی تورکیک در زبان فارسی مربوط به دوره‌های گوناگون، که لیست آنها در اثر گرهار دوئر فر داده شده، وی حدود یک هزار و دویست عدد از آنها را به عنوان ترکی مشخص نموده است (دائرة المعارف اسلام، جلد ۳، ماده‌ی آذربایجان، ۸، ص ۲۴۶). از این کلمات، بسیاری و شاید غالب آنها اصطلاحات موقتی و یا اداری-دیوانی مانند «دوستاق» (اسیر، متاثر کلمه‌ی اصلی «دوت.ساق»)، «سونگ» [؟]، (سونگ کردن: مصادره کردن) باشند که از تواریخ کلاسیک فارسی گرفته شده‌اند. اینها به همراه کلمات و گزاره‌های تورکیک که گهگاه وارد شعر فارسی (گنجهای، ۱۹۸۶) شده‌اند، پدیده‌هایی هستند که بر همزیستی مداوم ترکها و فارسها در قلمروهای سیاست و فرهنگ عامه گواهی می‌دهند. اما اینگونه تعابیر، گزاره‌ها و کلمات تورکیک موجود در [تواریخ کلاسیک] زبان فارسی، کمکی به تعیین و مشخص نمودن بدنه‌ی مدرن زبان تورکیک در زبان فارسی نمی‌کنند.

برخی از تعبیرات آئینی در زبان فارسی ناشی از تثبیت شیعه‌گری توسط صفویان، منشا تورکیک دارند. اینگونه تعبیرات نه تنها شامل کلمه‌هایی تورکیک-مونقولی مانند «توغ»-نوعی پرچم سواره‌نظام در جنگ که امروز به عنوان علم در مراسم محرم بکار می‌رود- می‌شود، بلکه شامل کلماتی مانند «تعزیه» که اصلاً عربی است نیز می‌گردد. کلمه‌ی تعزیه که نمایش مصیبت محرم است، منشاء ترکی خود را در ساقط شدن صدای «ت» پایانی فرم اولیه و اصلی کلمه‌ی (تعزیت) بروز می‌دهد. (پثری، ۲۰۰۱، ص. ۱۹۸)

در حالیکه شاهان صفوی موقعیت فارسی نوشتاری را به زبانی اداری و ادبی ترفیع دادند، این واقعیت که آنها و افسران عالی‌رتبه‌ی نظامی قزلباشان در دربار و ارتش خود بر حسب معمول به تورکیک سخن می‌گفتند، به زبان مادری تورکیک در ایران پرستیژی بی‌سابقه بخشید. تورکیک دامنه‌های کاربردی خود را توسعه داد و به عنوان سمبل هویتی قومی و اجتماعی، با زبان فارسی به رقابت پرداخت. چنانچه کتابهای تاریخ مکرراً به تخصصی شدن عملی ترکان و تاجیکان (تعبیری تقابلی برای تمایز فارسی‌زبانان از ترکان) که در قالب عنوانهای «خان» [برای ترکان] و «میرزا» [برای تاجیکان] - به ترتیب به معنی مرد شمشیر و مرد قلم- مشاهده می‌شد، و به رقابت آنها برای کسب قدرت و موقعیت در ساختار امپراتوری گواهی می‌دهند.

سیاحان خارجی مانند ژان شاردن (۱۷۱۳-۱۶۴۳)، آدام اولناریوس (۱۶۰۳-۷۱) و پیتر و دلا واله (۱۶۵۲-۱۵۸۶) ذکر می‌کنند که تورکیک محاوره‌ای در میان همه‌ی طبقات اجتماعی ایران آنچنان مشترک و عمومی بود که به عنوان زبان بین‌المللی (زبان رابط) بکار می‌رفت. بنا به انگلبرت کامپفر (۱۷۱۶-۱۶۵۱) ایرانیانی که در حال صعود در طبقات اجتماعی بوده‌اند، فعالانه تورکیک را می‌آموخته‌اند: «ترکی» از دربار به میان خانواده‌های سرشناس ایرانیها آنچنان گسترش یافته که امروزه در ایران تقریباً شرم‌آور است که فردی متخصص بیسواد در زبان ترکی باشد. (گنجهای، ۱۹۸۶، ص ۱۳-۳۱۱، ۳۱۵). بسیاری از کلمات و تعبیرات در لغتنامه‌ی فارسی سر توماس هربرت (۱۸۲-۱۶۰۶)، حتی ضماین شخصی مانند «من»، «سن»، «و» (پثری، ۱۹۹۶، ص ۲۷۵، ۲۷۷) تورکیک خالص می‌باشند. پس از سلسله‌ی صفوی پرستیژی زبان تورکیک دیری نیافتد. اما تاثیر زبانشناختی آن تا به دوره‌ی قاجار، زمانیکه ترکها در جستجوی حاکمیت و اشتغال به سنگینی در تهران، پایتخت جدید اسکان گزیدند ادامه یافت.

یکی از یادگارهای زیرکانه و پایدار زبان تورکیک در فارسی، در گزاره‌های اسمی فارسی که در واقع از جهت نحوی تورکیک هستند دیده می‌شود (جدول ۱،۲). در اینگونه گزاره‌های اسمی، به جای ساختار شاخه شدن دست راستی که کلمه و یا عبارت توضیحی پس از اسم می‌آید، ترتیب کلمات معکوس شده و کلمه یا عبارت توضیحی قبل از اسم [ساختار شاخه شدن دست چپ] آورده می‌شود. به عنوان مثال ترکیب «باب عالی» به لحاظ لغوی عربی، به لحاظ زمینه‌ی کاربردی [تورکیک] عثمانی، اما به لحاظ نحوی فارسی است. اما ترکیب «عالی قاپو» در زبان فارسی، به لحاظ لغوی عربی-تورکیک، به لحاظ زمینه‌ی کاربردی فارسی، ولی به لحاظ نحوی تورکیک است. ترکیبهای متعددی مربوط به

اسامی غذاها در زبان فارسی، مانند «سبزی پلو» و «بره کباب» از همین گونه شاخه شدن چپی تورکیک‌اند، در حالیکه فرم «کباب-بره» گونه‌ای فارسی است. (پتری، ۱۹۹۰، ص.ص. ۲۲۷-۲۲۶)

موارد برجسته‌تر به لحاظ جامعه‌شناسی، گزاره‌های اسمی-کنیه‌ای خاص با نحو متضاد تورکیک و فارسی می‌باشند. معکوس شدن ترتیب کلمات در عناوین سلطنتی از [نوع فارسی] که در آن عنوان نخست می‌آید (مثلاً «شاه اسماعیل»، «شاه عباس») به نوعی [تورکیک] که در آن عنوان پس از اسم می‌آید (مثلاً «نادر شاه»، «رضا شاه»)، از پایان دوره صفوی به بعد نرم استاندارد در ایران بوده است. این پدیده به سادگی اقتباسی ناآگاهانه و دیرگاه از نحو تورکیک است که در آن نام قبل از عنوان توضیحی می‌آید (مانند «محمد آقا»، «علی قلی خان»). بر عکس آنچه که قبلاً یک گزاره‌ی اسمی فارسی بود و در آن عنوان توضیحی قبل از نام می‌آید. مانند «خواجه حافظ».

حتی پیشتر، از دوره‌ی تیموریان به بعد، عنوان «میرزا» که به لحاظ ریشه‌شناسی فارسی است، پس از نام خاص و برای مشخص کردن شاهزاده‌ای از خاندان حاکم تورکیک، چه صفوی و چه قاجار (مانند «تهماسب میرزا»، «ایرج میرزا») و به تقلید از عنوانهای تورکیکی مانند «خان» و «آقا» بکار رفته است. در مقابل، عنوان «میرزا» پیش از نام خاص در تطابق با نحو فارسی، برای مشخص کردن منشیان و یا اهل دیوان؛ و عنوانهای کم‌پایه‌تر «شاه» و «میر» قبل از نامهای خاص برای مشخص کردن رهبران صوفی (مانند «شاه میر حمزه»، «میر حیدر») - از آنجائیکه ایرانی‌ها [ایرانی‌زبانان] امتیازات فرهنگی و نیمه‌سیاسی خود در این مناصب اجتماعی را حفظ کرده بودند- بکار رفته‌اند. (پتری، ۱۹۹۰، ص ۲۳-۲۱۸، ۲۰۳، ۲۳-۱۱۸)

تا به امروز عبارت اسمی-کنیه‌ای رسمی («آقای» یا «خانم تهرانی») دارای گونه‌ای فارسی است، در حالیکه فرم غیررسمی («رستم آقا»، «ژاله خانم») در زبان فارسی به لحاظ نحوی تورکیک است (جدول ۱.۲).

به نظر نمی‌رسد که فارسی و دیگر زبانهای ایرانیک رایج در ایران قویاً از آواشناسی تورکیک متأثر شده باشند. با اینهمه ادعا شده که ساقط گردیدن «قی» در اثر تبدیل آن به «گ»، که منجر به تلفظ یکسان «قاف» و «غین» در اکثر لهجه-زبانهای ایران غربی امروز گردیده، در اثر تاثیرپذیری از تورکیک می‌باشد. (پیسوویچ، ص. ۴-۱۱۲)

همچنین احتمالاً سخت است که بتوان تاثیر سیستماتیک تورکیک بر جمله‌سازی فارسی و یا سیستم فعلی آنرا نشان داد. هر چند ادعا شده که کاربرد زمانهای کامل در زبان فارسی («رفته است»، «می رفته است»، «رفته بوده است») در وجه نقلی و یا غیرمشخص از تورکیک الهام گرفته شده است. (سوپر، ۳۵۷-۳۵۶). به احتمال زیاد تورکیکیسم دیگر مشخصه‌ی زبانی در فارسی استاندارد نمی‌باشد. اگرچه تورکیک‌شوندگی گزینشی در مناطقی محلی از زبانهای ایرانیک در غرب ایران هنوز ادامه دارد.

زبانهای ایرانیک به غیر از زبان فارسی که به شدت در معرض نفوذ تورکیک قرار دارند عبارتند از کردی (بولوت) و بعضی از لهجه‌های تاتی و تالشی در آذربایجان. گفته شده که سیستمهای فعلی در دو زبان اخیر (تاتی و تالشی) در حال تغییر از گونه‌ای ایرانیک به نوع تورکیک‌تر بوده است (ایستیلو، ۱۹۸۱، ویندفور، ۱۹۸۷)

### تاثیر تورکیک بر تاجیکی

از قرن شانزده تاکنون، لهجه‌های فارسی نواحی‌ای که تاجیکها و ازبکها درهم آمیخته‌اند، بویژه در بخارا، سمرقند و دره‌های فرغانه و زرافشان، در معرض تاثیر فزاینده‌ی ازبکی قرار گرفته‌اند. (دائرة المعارف اسلام، جلد ۵، آسیای میانه، ۱۴، ص ۳۵-۲۲۶؛ سوپر، ص ۳۲۹-۲۷۷، ۴۰۹. ویندفور، در آینده‌ی نزدیک).

تاجیکی علاوه بر فرض گرفتن لغوی از ازبکی، از این زبان کلمات کارکردی مانند جزء سوالی «می» که پس از موضوع سوال می‌آید (جدول ۷،۱)؛ همچنین مجموعه‌هایی از ضمائر نامعین ساخته شده با ضمیر استفهامی «کیم» تورکیک (مانند «کیم کوچو»، به معنی جانی و یا دیگری)؛ و پس‌نهادها (مانند «دان» به معنی «از») که هر دو اصل ازبکی دارند، و پیش‌نهادی فارسی که به روشی قیاسی مانند تورکیک پس از اسامیشان بکار رفته‌اند (مانند «بوزور به»، به معنی «به بازار») را نیز اقتباس کرده است.

ساختارهای نحوی تورکیک بویژه آنهاییکه مربوط به فرمهای فعلی نامحدودند - با استفاده از ریخته‌های فارسی - تقلید شده‌اند. به عنوان نمونه به شکل گزاره‌ی نقلی: «خود-ی او کیست؟ گفته من پورسیدم». («او دقیقا کیست؟ من پرسیدم»). در زبانهای تورکیک تعمیم مجازی این ساخت - که گرفته شده از کاربرد فرم «دئب» [به معنی گفته] ازبکی مشتق از مصدر «دئمه‌ک» است - برای بیان گزاره‌ی انگیزه‌ای و یا نتیجه‌ای بکار می‌رود، مانند «هر اوتیش را اجیننه گفته، می‌ترسیدم». مثالهای دیگر، اسمی‌سازی متممهای جمله‌ای توسط مصدرها «مو کوچو رفتن-ی خود رو می‌دونتم» (ما کجا رفتن خود را می‌دانیم)؛ و اسمی‌سازی گزاره‌های نسبی با استفاده از وجه وصفی «در خونه بودگی-هو، هنج ندیده بودند» (آنهاییکه در خانه بودند، چیزی ندیدند) می‌باشند.

کاربردهای قیاسی دیگر فرم زمان گذشته در وجه وصفی و به شکل فرم نامحدود تورکیک، عبارتند از فعل وابسته «توونستن» (توانستن): «رفته می‌توونم» (می‌توانم بروم) و مخصوصا ساختهای فعلی ترتیبی و یا متصل که ۱۷ گونه از آنها تثبیت شده‌اند (به عنوان مثال «نویشته گیرفتم») (در ماده‌ی آسیای میانه، ۱۴، ص ۲۳۲ لیستی از مشابهات ازبکی-تاجیکی وجود دارد).

این تعمیم قیاسی سیستم فعلی تورکیک، گسترده‌ترین نتیجه‌ی تاثیر ازبکی بر تاجیکی است. وجه‌های دیگر، مجموعه‌ای زایا و تعمیم‌یافته از افعال سببی و اسمی (مانند «موکوفوت-ون-یدن» به معنی پاداش دادن که از اسم فعلی مکافات عربی مشتق شده است)، و وجه مباحثه‌دار نقلی که زمانهای کامل حال، استمراری و گذشته را بکار می‌برد (مانند «نغز جو-ئ بوده است»، به معنی مطمئنم که جای نغزی بوده است)

همه‌ی این خصوصیات به درجات گوناگونی توسط نویسندگان شوروی در تاجیکی ادبی مدرن، سبک تأیید شده‌ی زبان مابین سالهای ۱۹۳۰ تا اواخر دهه ۱۹۸۰، وارد شدند. اما برخی از خصوصیتها، موقتی بودن خود را مدتهاست که اثبات کرده‌اند و دیگر توسط نویسندگان جوانتر به طور فعالانه بکار نمی‌روند. برخی ازبکیسمهای افراطی هرگز از رغبت گسترده‌ای در ادبیات برخوردار نشدند، هر چند آنها هنوز از خصوصیات گویش تاجیکی شمال بشمار می‌روند. مانند تصریفهای شخصی تورکیک افعال («خوندگی-من»، از «خوندهام» در تاجیکی ادبی) و گزاره‌های اسمی ملکی به سبک تورکیک با «رو»، به عنوان مثال «معلم-ه کیتوبش» (از «معلم-رو») به معنی کتاب معلم (گرفته شده از ازبکی، «معلم-نینگ کیتوب-ی»، جایگزین ساختار اضافی در فارسی).

#### کتابنامه:

- Christiane Bulut, "Iranian Influences in Sonqor Turkic," in É. Á. Csató, *Linguistic Convergence*, pp. 241-69.
- Éva Á. Csató, "Copying in Kashkay," in É. Á. Csató, *Linguistic Convergence*, pp. 275-83.
- É. Á. Csató, B. Isaksson, and C. Jahani, eds., *Linguistic Convergence and Areal Diffusion: Case Studies from Iranian, Semitic and Turkic*, London, 2005.
- Gerhard Doerfer, *Türkische Lehnwörter im Tadschikischen*, Abhandlungen für die Kunde des Morgenlandes 37/3, Wiesbaden, 1967.
- Idem, "Azerbaijan viii: Azeri (Āḍarī) Turkish," in *Elr III*, pp. 245-48.
- Idem, "Central Asia xiv. Turkish-Iranian Language Contacts," in *Elr V*, pp. 226-35.
- Tourkhan Gandjei, "Turkish in Pre-Mongol Persian Poetry," *BSOAS* 49, 1986, pp. 67-76.
- Idem, "Turkish in the Safavid Court of Isfahan," in *Mélanges offerts à Irène Mélikoff*, *Turcica* 21-23, Louvain, 1991, pp. 311-318.
- Lars Johanson, "Azerbaijan ix: Iranian Elements in Azeri Turkish," in *Elr III*, pp. 248-51.
- Idem, "Rūmī and the Birth of Turkish Poetry," *Journal of Turkology* 1/1, 1993, pp. 23-37.

- Idem, "Bilateral Code Copying in Eastern Persian and South-Eastern Turkic," in É. Á. Csató, *Linguistic Convergence*, pp. 205-14.
- Filiz Kiral, "Modal Constructions in Turkic of Iran," in É. Á. Csató, *Linguistic Convergence*, pp. 285-93.
- Geoffrey Lewis, "The Strange Case of Ottoman," in É. Á. Csató, *Linguistic Convergence*, pp. 295-304.
- Manfred Lorentz, "Die partizipialen Wendungen—ein Unterscheidungsmerkmal des Tağikischen gegenüber dem Persischen," *Mitteilungen des Instituts für Orientforschung* 10, 1964, pp. 133-39.
- Karl Menges, "Zum Özbekischen von Nord-Afghanistan," *Anthropos* 41-44, 1946-49, pp. 673-710.
- John R. Perry, "Uzbek Influence on Tajik Syntax: The Converb Constructions," in Paul R. Clyne, William F. Hanks, and Carol L. Hofbauer, eds., *The Elements: A Parasession on Linguistic Units and Levels*, Chicago, 1979, pp. 448-61.
- Idem, "Mirza, Mashti and Juja Kabab: Some Cases of Anomalous Noun Phrase Word Order in Persian," in Charles P. Melville, ed., *Persian and Islamic Studies in Honour of P. W. Avery*, *Pembroke Papers* 1, Cambridge, 1990, pp. 213-28.
- Idem, "Persian during the Safavid Period: Sketch for an *État de Langue*," in Charles P. Melville, ed., *Safavid Persia: The History and Politics of an Islamic Society*, *Pembroke Papers* 4, London, 1996, pp. 269-83.
- Idem, "The Historical Role of Turkish in Relation to the Persian of Iran," *Iran & Caucasus* 5, 2001, pp. 193-200.
- Idem, "Ethno-Linguistic Markers of the Turco-Mongol Military and Persian Bureaucratic Castes in Pre-Modern Iran and India," in Irene Schneider, ed. *Militär und Staatlichkeit*, *Mitteilungen des Sonderforschungsbereiches "Differenz und Integration"* 5, Halle-Wittenberg, 2003, pp. 111-25.
- Andrzej Pisowicz, *Origins of the New and Middle Persian Phonological Systems*, Cracow, 1985.
- Karl Reichl, "Syntactic Interference in Afghan Uzbek," *Anthropos* 78, 1983, pp. 481-500.
- Claudia Römer, "Right-Branching vs. Left-Branching Subordinate Clauses in 16th Century Ottoman Historical Texts: Haphazard Use or Stylistic Device?" in É. Á. Csató, *Linguistic Convergence*, pp. 317-33.
- John D. Soper, *Loan Syntax in Turkic and Iranian*, ed. András J. E. Bodrogligeti, Bloomington, IN, 1996.
- Stanislaw Stachowski, "Studien über die neupersischen Lehnwörter im Osmanisch-türkischen," *Folia Orientalia* 14, 1972-73, pp. 77-118 (part I); 15, 1974, pp. 87-118 (part II); 16, 1975, pp. 145-92 (part III); 17, 1976, pp. 141-73 (part IV); 18, 1977, pp. 87-118 (part V); and 19, 1978, pp. 93-126 (part VI); a few etymologies have been rejected or remain dubious, but the first part contains a useful bibliography, referring also to studies of Arabic loanwords borrowed via Persian.
- Donald L. Stilo, "The Tati Language Group in the Sociolinguistic Context of Northwestern Iran and Transcaucasia," *Iranian Studies* 14, 1981, pp. 137-87.
- Idem, "Iranian as Buffer Zone between the Universal Typologies of Turkic and Semitic," in É. Á. Csató, *Linguistic Convergence*, pp. 35-63.
- István Vásáry, "The Beginnings of Western Turkic Literacy in Anatolia and Iran (13th–14th Centuries)," in Éva M. Jeremiás, ed., *Irano-Turkic Cultural Contacts in the 11th–17th Centuries*, Budapest, 2003, pp. 245-53.
- Gernot L. Windfuhr, "Convergence: Iranian Talyshi and Turkic Azeri," in Elena Bashir, Madhav M. Deshpande, and Peter E. Hook, eds., *Select Papers from South Asian Languages Analysis 7: Roundtable Conference Held in Ann Arbor, Mich., May 17–19, 1985*, Bloomington, IN, 1987, pp. 385-406.
- Idem, "Moods, or Degrees of Reality? Competing Categorical Vectors in Irano-Turkic Convergence. Tat Persian and Azerbaijani, Tajik Persian and Uzbek," in Lars Johanson,

Christiane Bulut, and Filiz Kiral, eds., Studies on Turkic-Iranian Contiguity, Wiesbaden: Harrassowitz, forthcoming.

منبع:

<http://www.iranicaonline.org/articles/turkic-iranian-contacts-i-linguistic>